

در نگوشتی سق



علی مسعودی نیا

نویسنده

چند روز پیش در فضایی خصوصی تر نوشتیم که اهل پیونداندن رماتیک شکست‌های فوتبال به ذات‌باوری در باب چند و چون زیست ما ایرانیان نیست. اما این بار انگار فرق دارد برابیم. از روز باخت تیم ملی در برابر قطر، مدام خاطره‌ها و نکته‌هایی به ذهنم تداعی می‌شود که در میان گذاشتن‌شان با شما شاید به کارتان نیاید، ولی دست کم گپی درددلی است از من که هم وطن و هم سرنواشت شما هستم. در داستان نویسی و سینما اصطلاحی هست به نام «فاینال کات» یا همان مشت و ضربه آخر. اصطلاحی که احتمالاً از ورزش مشت‌زنی وام گرفته شده و معنایش آن شوک و ضربه نهایی داستان است. یا سکانس اوج پایانی فیلم است که کار روایت را تمام و کامل و نوعی منگی شیرین به مخاطب منتقل می‌کند. من تا جایی که یادم است، چه در ورزش، چه در کنش‌های فرهنگی و اجتماعی معمولاً در این مشت آخر درمی‌مانم. این روزها کارشناسان و ناکارشناسان بسیاری در تحلیل شکست ما از زیرساخت و روساخت و پایه، کادر فنی، مدیریت و امثالهم می‌گویند و شاید بخش زیادی از حرف‌شان هم درست است. ولی بعید می‌دانم مثلاً اردن که به فینال رسید یا کشور گنم کپ‌ورد که همزمان در جام‌های آفریقا شگفتی‌ساز شد، زیرساخت ویژه‌ای در فوتبال داشته باشند. یا اگر به زیرساخت است که چرا ژاپن، کره و چین در این جام به جایی نرسیدند؟ پس تمام حساب و کتاب‌ها و مسائل فنی و مدیریتی به جای خود، اما انگار پای عامل دیگری هم در میان است.

ورزش که فقط یک مثال است. انواع و اقسام فینال‌ها و نیمه‌نهایی‌ها را به خاطر بی‌اوردید در رشته‌های مختلف تا این ادعا قدری مقبول تر شود در ذهن‌تان. اما خودمان را مرور کنیم و ببینیم چگونه طی این سال‌ها در مهم‌ترین برهه‌های سیاسی و اجتماعی تا مرز آن ضربه آخر و کامیابی نهایی می‌رویم و بعد می‌بازیم و به تحلیل شکست می‌پردازیم و از زیرساخت، روساخت و مدیریت می‌گوییم. من فکر می‌کنم ایراد از روندی است که بر جامعه ما حاکم شد. روندی که از خانواده آغاز می‌شود و در مدرسه و بعد در جامعه و فضای سیاسی و فرهنگی استیلا می‌یابد. روندی که من نامش را «بن‌بست رویاپردازی» می‌گذارم. سقف‌زدن بر رویاها به خاطر میل و منافعی که فارغ از میل کشنگر درخشان در تحقق آن رویا، توسط تمامی نهاد‌های نامبرده بر فرد تحمیل می‌شود. گاهی برای زدن آن مشت نهایی باید رویا داشت. باید هدف را با آرزو هم جوار کرد که بشود. هدف با تمام عقلانیت و دوراندیشی‌اش در کنار آرزو با تمام خیال‌پردازی و شورآفرینی و فانتزی‌هایش. آن وقت است که دیگر زیرساخت معیوب و مدیریت نامطلوب هم زورشان به اراده نمی‌رسد. در فیلم «پاپیون»، صحنه‌ای هست که پایون را بعد از مدت‌ها حبس از سلول انفرادی بیرون می‌آورند. او تمام دوران حبس در آن سلول پنج‌قدم در پنج‌قدم، راه رفته و به دیوار رسیده. در که باز می‌شود، بس که خود کره به آن حصر، در گام ششم بر زمین می‌افتد. حافظه‌ی تاریخی آدمی این‌گونه ساخته می‌شود انگار. صدای آن مریب کشتی را یادتان هست که وقتی شاگردش داشت حریف را با خاک یکسان می‌کرد، فریاد زد: «یاد بیازی...»؟ آن نگاه متحیر را یادتان هست؟ خاک‌شدن‌شان را یادتان هست؟

باری فنی گپ می‌زدیم زمانی که می‌گفت، این همه کتاب در باب کامیابی، موفقیت و قانون جذب و این حرف‌ها توی مملکت منتشر و خوانده می‌شود، چرا میزان کامیابی اینقدر کم است. این را با علم به زرد بودن و پرت‌ویلا بودن بسیاری از این کتاب‌ها می‌گفت البته. ولی مثلاً شما برنامه‌های استعدادیابی فرنگی را که می‌بینی و آدم‌ها قصه‌شان را می‌گویند، فیلم‌های زندگی‌نامه‌ای را که می‌بینی، اصلاً همین واژه هالیوودی «روای آمریکایی» را با تمام نقدها و فریب‌های احتمالی‌اش که می‌بینی فرق کار مشخص می‌شود. آدمی با خواندن «انتونی رابینز» به جایی می‌رسد که رویا داشته باشد و مانعی غیر از خودش بر سر رویاهاش نباشد. وقتی تحول فردی معنا دارد که حس نکنی هر آنچه ممکن است دستی‌نمایی بیاید و سستی بر پروازت علم کند. بگذارید باز با سکانسی سینمایی این مقال را ببندم. جایی در فیلم «کمال‌الملک» ساخته زنده‌یاد «علی حاتمی» که استاد در یکی از اتاق‌های کاخ محبوس است و بر دیوارش نقشی می‌کشد از دیواری که شکسته و فضای باز بیرون در آن پدیدار است. شاه تصویر را می‌بیند و حیرت می‌کند و می‌گوید: «به قوه سحر زندان را شکافته و رفته. عجیب!» چنین است قدرت رویا.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیج • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حرفه‌یابی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



عکس: ایرنا

بهترین نسل تاریخ نبودید

بررسی عملکرد تیم ملی ایران در جام ملت‌های ۲۰۲۳ قطر



سپهر خریمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

سابقه کافی، روی نیکم تیم ملی قرار گرفت و همزمان وظیفه ترجمه صحبت‌های قلعه‌نوی را نیز برای خبرنگاران به‌عهده داشت. آنالیز اشتباه مقابل قطر (روی آوردن به بازی مستقیم و هوایی، به‌جای تمرکز روی زمین بازی کردن که نقطه‌ضعف اصلی قطر بود)، باعث شد ایران نتواند به برتری برسد.

رویکرد متفاوت با کلینمن

تیم ملی کره جنوبی همانند ایران در مرحله نیمه‌نهایی با شکست مقابل اردن از گردونه رقابت‌ها کنار رفت. با این تفاوت که کره جنوبی از سد قدرت‌های برتر آسیا - یعنی عربستان و استرالیا - عبور کرده بود تا به جمع ۴ تیم برتر آسیا برسد. در واقع مسیر کره جنوبی به‌مراتب سخت‌تر از ایران بود. اما مردم کره جنوبی بعد از حذف تیم ملی کشورشان در مرحله نیمه‌نهایی، در فرودگاه سنول به سمت کلینمن حمله‌ور شدند و خواستار استعفا او شدند؛ چرا که عقیده داشتند هدف آنها محقق نشده است. واکنش اما در ایران کمی تفاوت داشت و سخنگوی هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال یعنی احسان صولگی، گفت: «بناوجه به جوان‌گرایی‌ای که امیر قلعه‌نوی در پیش گرفته، او مریب‌ای است که می‌تواند در جام جهانی ۲۰۲۶ روی نیکم‌ت ایران بنشیند.»

از مونتلا به قلعه‌نوی

فدراسیون فوتبال اما پیش از معرفی امیر قلعه‌نوی، با پیوستن مونتلا به توافق رسیده بود. فقط یک امضاء باقی مانده بود تا اسطوره فوتبال ایتالیا راهی ایران شود تا قراردادش را امضاء کند. اعضای هیئت رئیسه اما از مهدی تاج تضمین خواستند که اگر لوپ‌های بلوکه‌شده فوتبال ایران به‌دلیل تحریم، بار دیگر پرداخت نشد، چه رویکردی در پیش خواهید گرفت؟ آیا قرار است پرونده ویلموستس بار دیگر تکرار شود؟ از سوی دیگر برخی نهادها تمایل داشتند تا در جام ملت‌ها، سرمربی ایرانی روی نیکم‌ت تیم ملی حضور داشته باشد تا اگر بنا به کسب افتخاری است، این موضوع با مریب ایرانی رخ دهد. هر چند مشخص شد که این پروژه شکست خورده و تیم ملی با مریب ایرانی، نتوانست یکی از راحت‌ترین مسیرهای ممکن را با قهرمانی به پایان برساند.

شوخی بزرگ

بعد از پیروزی ایران مقابل ژاپن، موجی از امیدواری در بین هواداران فوتبال ایجاد شد که ایران می‌تواند سرانجام بعد از ۴۸ سال قهرمان آسیا شود. اکثر نظرسنجی‌های معتبر نیز گواه بر این موضوع بود که ایران شانسن بیشتری در قیاس با قطر برای فینالیست شدن دارد. مصاحبه علیرضا بیرانوند نیز در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده بود که می‌گوید، این بهترین نسل تاریخ فوتبال ایران است و هدف آنها، بازگشت بعد از ۲۲ بهمن با جام قهرمانی است. تیم ملی اما با ارائه یک بازی پرانتقاد مقابل قطر، با حساب سه‌بر دو شکست خورد تا با زهم از رسیدن به فینال بازماند. اما جمله علیرضا بیرانوند و ادعای «بهترین نسل تاریخ»، تا چه میزان صحیح است؟ بهترین نسل تاریخ مگر نباید افتخاری تیمی کسب کرده باشد؟ اکثریت بازیکنان تیم ملی فعلی از دوران کارلوس کی‌روش در جام ملت‌های ۲۰۱۵ شکل گرفت و به‌مرور تثبیت شد. قالب این بازیکنان اما از سال ۲۰۱۵ در کنار هم هستند اما دستاورد این نسل چه افتخار تیمی‌ای بوده است؟ تیم ملی ایران در جام ملت‌های ۲۰۱۵ با شکست مقابل تیم ملی عراق در مرحله یک‌چهارم پایانی، از گردونه رقابت‌ها کنار رفت. در جام ملت‌های ۲۰۱۹ نیز با شکست سه‌بر صفر مقابل ژاپن در نیمه‌نهایی این رقابت‌ها حذف شد که این شکست، سنگین‌ترین شکست تاریخ فوتبال ایران در جام ملت‌ها بوده است. در جام ملت‌های اخیر هم ایران با شکست مقابل قطر با زهم در مرحله نیمه‌پایانی حذف شد. همچنین این تیم دو بار بی‌پایه - در دوره‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ - در دور گروهی جام جهانی از گردونه رقابت‌ها حذف شده و نتوانسته به دور حذفی برسد. این چه نسل برتری است که در دور گروهی جام جهانی، دو دوره حذف و سه‌دوره ناکامی در جام‌ها را به یادگار گذاشته است؟

با کادر ایرانی تا ۲۰۲۶

آنچه مشخص است، قرار است حمایت از مریب ایرانی فارغ از نتایجی که کسب کرده تا جام جهانی آمریکا ادامه پیدا کند؛ نسلی که بازیکنانش مدعی «بهترین یون» داشتند، اکثراً تا سال ۲۰۲۶ کنار خواهند رفت اما آیا قلعه‌نوی همان مریب‌ای است که بتواند با جوان‌گرایی، نسل‌سازی همراه با یک پشتوانه قوی داشته باشد؟ تجربه تاریخی نشان می‌دهد، کمی باید با درنگ بیشتری به این موضوع نگاه کرد.

چهره

طلسم‌شکنی پاکدامن

علی پاکدامن، شمشیرباز تیم ملی ایران موفق شد بعد از پنج‌سال، ایران را در این رشته ورزشی صاحب مدال کند. در مرحله نهایی مسابقات شمشیربازی جام جهانی گرjestان که در تقیلس پایتخت این کشور برگزار می‌شد، علی پاکدامن به مصاف «آرون سزیزلاگی» نفر دوم رنکینگ جهانی از مجارستان - رفت و با نتیجه ۱۵ به ۷ مقابل حریف مجارستانی، متحمل شکست شد. بدین ترتیب پاکدامن که با رنکینگ ۷ جهان در جام جهانی گرjestان شرکت کرده، عنوان نایب‌قهرمانی و مدال نقره این رقابت‌ها را از آن خود کرد. مدال نقره پاکدامن در جام جهانی گرjestان در حالی به‌دست آمد که شمشیربازی ایران از سال ۲۰۱۹ در بخش انفرادی رقابت‌های جام جهانی موفق به کسب مدال نشده بود اما پاکدامن بعد از پنج‌سال، با طلسم‌شکنی موفق به انجام آن شد. گفتنی است، پاکدامن در رقابت‌های قهرمانی آسیا در سال گذشته نیز توانسته بود بعد از ۲۲ سال، شمشیربازی ایران را صاحب مدال طلا کند.



کتابخانه

تاریخ تحلیلی توسعه و خوشبختی

«زندگی چگونه بود؟ (تاریخ تحلیلی توسعه و خوشبختی در جهان ۲۰۱۰-۱۸۲۰)»، نوشته یان لوتن ون زاندن و همکاران، با ترجمه محمد سمیع و محمد کریمی، در ۲۸۵ صفحه و با قیمت ۳۵۰ هزار تومان توسط انتشارات نی منتشر شده است. موضوع کتاب این است که زندگی در سال ۱۸۲۰ (نقطه آغازین انقلاب صنعتی)، چگونه بوده و از آن سال تاکنون، در طول زمان چگونه بهبود یافته است؟ این کتاب در پژوهشی گروهی، گسترده و بسیار عمیق، ۱۰ بُعد مختلف توسعه و خوشبختی را بررسی و آن‌ها را طی زمان و در همه‌جای جهان دنبال می‌کند، سپس شاخص ترکیبی تازه‌ای به دست می‌دهد. ابعادی که بررسی شده است، نشان‌دهنده رشته گسترده‌ای از وجود مادی و غیرمادی توسعه و خوشبختی؛ یعنی تولید ناخالص داخلی سرانه، دستمزد واقعی، دسترسی به آموزش، امید به زندگی، طول قد، امنیت فردی، نهاد‌های سیاسی، کیفیت محیط‌زیست، نابرابری درآمد و نابرابری جنسیتی است. در پایان، مترجمان برخی نمودارها و جداول مربوط به ایران را که در متن نیامده است، به آن اضافه کرده‌اند.



زندگی چگونه بود؟
(تاریخ تحلیلی توسعه و خوشبختی در جهان ۲۰۱۰-۱۸۲۰)

نویسنده: یان لوتن ون زاندن و همکاران
مترجمان: محمد سمیع و محمد کریمی
انتشارات: نی

تاریخ

مرگ تیمور لنگ



امیر تیمور گورکانی، ۱۲ فوریه سال ۱۴۰۵ میلادی (۲۳ بهمن ماه ۷۸۳ شمسی) در ۶۹ سالگی، در قزاقستان درگذشت، سپس پیکر او در سمرقند به خاک سپرده شد. تیمور، مغول تبار بود و قلمرویی از هند تا قفقاز و از مرز غربی مغولستان تا دمشق را زیر سیطره خود داشت. او سه‌بار به ایران لشکر کشید که در یکی از آنها، شهر اصفهان را ویران کرد و از کله کشتگان، مناره ساخت. باین‌همه ابن‌خلدون از تیمور به‌عنوان مردی ادیب‌پرور، علاقه‌مند به اصحاب فکر و دانش و مشوق هنر، معماری و مهندسی یاد کرده است. مورخان نظامی نیز نوشته‌اند که عوامل اصلی برتری او در جنگ‌ها، استفاده از جنگ روانی و تبلیغات، در کنار مهارت و شجاعت لشکرکشی و سلاح‌های برتر آنان بوده است. با اینکه از یک‌ها از قوم دیگری هستند و از منطقه اورال آمده‌اند، امیر تیمور را مؤسس ازبکستان می‌دانند.